

متن پرسش

سلام استاد: به لطف مباحث شما، قدری تشنگی برای بنده حاصل شده است که نمی‌توانم طول شبانه روز دست از صوت گوش کردن و کتاب خواندن و تفکر بکشم طوری که کاری غیر از این‌ها را بیهوده می‌دانم، حتی در مهمانی کتاب می‌برم و می‌خوانم، استاد اما من خاکی هستم و نیاز به خشمالی هست تا مرا با آبی مخلوط کند و در قالبی مرا بسازد وگرنه خودبخود خاک خشت نمی‌شود، در کتاب روح مجرد کرارا ذکر شده طی طریق بی استاد حی حاضر منتهی به شیخیه و بابیه و بهائیه می‌شود. استاد مرا از این حیرت ضلالت نجات دهید به اذن خدا، بگویید چه کنم. طی این مرحله بی هم‌رهی خضر مکن /ظلمات است بترس از خطر گمراهی؛ استاد می‌فرماید استاد تو علم توست اما من جاهل پس استادی ندارم، شما را بخدا راهی نشان دهید. دلتنگتان هستم. یا علی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! خاک، خود به خود خشت نمی‌شود باید ابتدا گل شود و سپس در قالب مخصوص خود بریزیم. آیا دل‌دادن به حضرت امام خمینی و رهبر معظم انقلاب، همان آبی نیست که خاک وجود ما را به گل تبدیل می‌کند و سپس با نظر به شخصیت حضرت روح الل ه «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» آن گل، قالب خود را شکل می‌دهد و گل وجود ما در قالب شخصیت انسانی که در این زمان، نماد انسانیت است؛ انسانیت خود را پیدا می‌کند؟ نظر به آینه‌ها در این زمانه بسیار کارساز است به همان معنایی که در هر تاریخی، انسان بدون استاد امکان ادامه راه برایش مشکل است. موفق باشید